

## عَزَاداری پیامبر<sup>(ص)</sup> برای شهداء

نباید پذیرفت که عزاداری فقط کاری است مخصوص شیعیان که فقط با عقاید شیعی می توان از آن دفاع کرد. به هیچ وجه اینطور نیست. این سنت پیامبر گرامی اسلام بود که برای شهید گریه می کردند. برای حمزه سیدالشهدا ناله می زدند به حدی که در سیره حلبیه از منابع اهل سنت آمده که حالت غش به ایشان دست داد. ایشان وقتی سینه چاک خورده حمزه سیدالشهدا را دید شروع کردند به فریاد زدن و گریه کردن.

در دیگر کتب هم آمده است که پیامبر از کنار یکی از خانه های انصار عبور می کردند و مشاهده کردند که خانمها برای شهیدان خود گریه می کنند. فرمود عمومی من حمزه گریه کن ندارد. بعد تا حدود قرن دوم و سوم هجرت در مدینه کسی از دنیا می رفت - نه فقط برای شهدا- بانوان اول برای حمزه سیدالشهدا گریه می کردند و بعد برای مرده خودشان گریه می کردند! همین شیوه ای که ما برای ابا عبدالله الحسین در ختمها استفاده می کنیم.

در کتاب «استیعاب» از منابع اهل سنت آمده است که وقتی خبر شهادت جعفر به پیامبر گرامی اسلام رسید، رسول خدا به خانه جعفر رفتند و فرزندان او را می بوئیدند و گریه می کردند. دیگر خانمها طاقت نیاورند و حضرت اسما شروع کرد به گریه کردن. در این اثنا حضرت زهرا سلام الله علیها وارد شد و صدا می زد «وا عمّاه» و گریه می کرد. پیامبر فرمودند باید بر مثل جعفر گریه کنها گریه کنند. اینها چیزهایی نیست که ما در کتابهای شیعی نقل کرده باشیم.



:: برگرفته از بیانات استاد علیرضا پناهیان ::

## حُبُّ الْحُسَيْنِ

بروشور فرهنگی  
مذهبی محتوای محرم  
موضوع عزاداری اهل تسنن

حَمَاسِهِ عَاشُورَا صِرْفًا شِيعِي نَيْسَتْ!

هَمِّهِ شُهَدَايِ كَرْبَلَا شِيعِهِ نَبُودَنْد

در فضای امروز ما نباید عزاداری برای اباعبدالله الحسین «ع» را یک رسم شیعی تلقی بکنیم. سیدالشهدا «ع» اساسا عاشورا را به عنوان یک حماسه شیعی برقرار نکردند. دشمن اباعبدالله که یزید بود بیش از آن که دشمن شیعه باشد دشمن اهل سنت بود. یزید بیشتر از این که از شیعیان قتل عام کند، از سنی‌ها قتل عام کرد.

اگر شیعه یعنی کسانی که به ولایت علی بن ابیطالب معتقدند، تعداد این افراد در آن زمان کم‌شمار بوده است. اگر هم بودند بسیاری از آنها در کربلا به شهادت رسیدند. چرا یزید در مدینه واقعه حره را برقرار کرد؟ در واقعه حره قتل عامی شکل گرفت که اگر به زبان امروزی‌ها بخواهیم بگوییم، باید گفت این قتل عام در میان اهل سنت بود. سربازان یزید سه روز مال و جان و ناموس مردم مدینه را بر خود حلال شمردند. شبیه کارهایی که الان تکفیری‌ها انجام می‌دهند.

اگر اباعبدالله الحسین مقابل یزید قیام کرد، ماهیت یزید این بود که گفت «لعبت هاشم بالملک فلا \* خبر جاء و لا وحی نزل» بنی‌هاشم با پادشاهی بازی کردند، وحی‌ای نازل نشد! کدام اهل سنت بصیری چنین کلامی را می‌تواند از یزید بپذیرد و او را بعد از بیان چنین کلامی مسلمان بداند؟

از طرف دیگر در میان یاران امام حسین «ع» کسانی را می‌بینید که شیعه به معنایی که ما می‌گوییم نبودند. زهیر، حرّ و برخی دیگر از اصحاب اباعبدالله «ع» به شیعه‌گری به معنای امروز معتقد نبودند.

نه ما شیعیان حق داریم حسین «ع» را تنها از خود بدانیم و بس. نه برادران اهل سنت باید حسین «ع» را فراموش کنند و او را از خود ندانند. این به رفتار ما هم بستگی دارد. عاشورا محل اتحاد شیعه و سنی است. شافعی کسی بود که در رثای اباعبدالله الحسین آن تعابیر بلند را دارد. فقیه یکی از مذاهب اهل سنت است که خیلی پرشورتر از روضه‌خوانی‌های ما برای اباعبدالله الحسین ناله می‌زد. همین الان هنوز در بسیاری از محیط‌های اهل سنت ایران و خارج از ایران برای اباعبدالله الحسین عزاداری می‌کنند.

در چنین شرایطی باید خیلی دقیق به عزاداری اباعبدالله نگاه کرد. در شعارها و جملات و سخنرانی‌های امام حسین تقریبا یک کلام پیدا نمی‌کنید که به حقایق و اعتقادات خاص شیعی اشاره کند. مکرر فرمودند من فرزند دختر پیغمبر شما هستم یا نه؟ یکبار فرمودند من امام سوم شما هستم یا نه!

**صدای عزاداری  
امام حسین «ع»، را باید  
به گوش همه برسانیم  
«این مراسم ما است»  
حرف درستی نیست.**